
بن لایه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی در حدیث عنوان بصری و بیانیه گام دوم انقلاب

مختارعلی رضائی^۱ - محترم قوی^۲

چکیده

پژوهش حاضر چستی و ماهیت و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی را با توجه به منابع اصیل اسلامی یعنی کتاب و سنت و نیز بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، بررسی و استنباط نموده و با روش تحلیلی-توصیفی، در جهت دفاع ابدی از نظریه انقلاب اسلامی و پر کردن فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، که امری است ضروری، از متن حدیث منقول از امام صادق علیه السلام و ظرفیت عمیق اما نهفته آن، بن لایه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی را استخراج نموده و آنها را حقیقه‌ی هوالمالکیه، اصالت انفاق در اسلام و مبارزه با اتراف و ویژه خواری اقتصادی دانسته است و با توجه به تلازم حقیقت عبودیت و تمدن نوین اسلامی، که مفاد حدیث عنوان بصری بر این تلازم صحه می‌گذارد، به این نتیجه رسیده است که با ایجاد تمدن نوین اسلامی، تقوای اجتماعی و سیستمی به منصفه ظهور خود رسیده و حقیقت عبودیت با آن آبیاری گشته و بشریت به نهال تنومند تمدن جهانی اسلام

۱. دکتری فلسفه اسلامی موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه marezaei1382@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ جامعه الزهراء mrsghavi1359@gmail.com

خواهد رسید.

کلید واژگان: تمدن اسلامی، حقیقت عبودیت، اقتصاد اسلامی، حقیقه‌ی هوالمالکیه،
اصالت انفاق، استکبارزدایی، گام دوم انقلاب اسلامی

مقدمه

«عنوان بصری^۱» که شاگرد «مالک بن انس^۲» بوده متوجه می‌شود که امام صادق علیه السلام نیز علم‌آموزی دارند، خود را به حضرت رسانده و خواهش خود را بیان می‌کند اما امام علیه السلام با این تعبیر که «مراجعین من زیاد هستن و نیز اذکار و عبادات خاصی در اوقات شبانه روز دارم» ایشان را نمی‌پذیرند. "عنوان" با خود می‌گوید: «اگر حضرت در من خیری می‌یافت، مرا منع نمی‌کرد.» به مسجدالنبی رفته دو رکعت نماز گذاشته و از خداوند متعال می‌خواهد که قلب امام را به سمتش معطوف و استفاده از علم امام علیه السلام را روزیش گردانند. "عنوان" می‌گوید: «چون قلبم با محبت امام آمیخته شده بود؛ لَمَّا اشرب قلبی من حبّ جعفر علیه السلام» دیگر کلاسهای مالک بن انس را نرفته و فقط برای نماز واجب بیرون می‌رفتم تا اینکه دیگر نتوانستم صبر کنم و دوباره خدمت حضرت شرف‌یاب شدم. در شرفیابی دوم جریان را برای امام نقل کرده و می‌گوید که از خداوند متعال خواستم که از علم شما به من روزی کند اینجا بود که امام علیه السلام نقشه علم و پیشرفت را به او می‌دهد و می‌فرماید: «این را بدان که علم به تعلم نیست بلکه علم نوری است که خداوند در قلب هر کسی که اراده کرده هدایتش کند می‌افکند....» در ادامه حضرت در بیان حقیقت عبودیت و چگونگی ربط آن به علم می‌فرماید: «حقیقت عبودیت سه چیز است: «آن لایری العبد لنفسه فیما خوّله الله تعالی ملکاً...» عبد بایست در چیزهایی که خداوند متعال به او اعطا نموده، برای خویش، ملکیتی نبیند، «و [ان] لایدبّر العبد لنفسه تدبیراً» و دومین امر در حقیقت عبودیت، این

۱. حدیث را در سه منبع روایی شیعه یافتیم: ۱. مشکاة الانوار مرحوم طبرسی (متوفای سال ۶۰۰ ق) ۲. منیة المرید شهید ثانی رحمه الله علیه (متوفای ۹۶۶ ق) ۳. بحار الانوار علامه مجلسی رحمه الله (متوفای ۱۱۱۰ ق)؛ اما با توجه به اینکه در بحار، حدیث، منقول روایت شده است، در اینجا از کتاب بحار الانوار حدیث را نقل می‌کنیم.

۲. مالک بن انس بن مالک بن الحارث بن عَیْمان بن خُثَیل بن عمرو بن الحارث الأصبیحی مشهور به مالک ابن انس (۹۳ - ۱۷۹ هـ. ق) دومین امام از ائمه‌ی اهل سنت و از شاگردان جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود.

است که عبد برای خودش تدبیری نیندیشد «و جملة اشتغاله فیما امره الله تعالی و نهاء عنه» امر سوم در حقیقت عبودیت این است که تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد. امر اول (اینکه عبد ملکیت برای خودش نبیند و به تعبیری، به «هوالمالک» معتقد باشد) مقدمه است برای حصول امر دوم (اینکه عبد تدبیری برای خویش نیندیشد و به عبارتی، به «هوالمدبر» معتقد باشد) و امر دوم مقدمه حصول امر سوم (اینکه عبد، تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد)، در نتیجه هر دو امر اول و دوم، مقدمه امر سوم می باشد. در امر اول اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد اسلامی یا به تعبیری بهتر و جامع تر، اقتصاد انسانی و الهی که به نوعی بحث سخت افزاری عبودیت است، مطرح می شود و در امر دوم که بحث تدبر و تفکر است، بحث نرم افزاری عبودیت، مطرح می گردد که همان مساله نهضت نرم افزاری علوم انسانی - اسلامی است و در امر سوم، مساله سیستم الهی نسبت به عبودیت انسان، مطرح است که به نوبه خود در ابعاد دولت، جامعه و تمدن اسلامی تجلی می یابد. در این نوشتار از امر اول و دوم به عنوان دو مولفه مهم و لازم و ضروری برای تمدن اسلامی، در جهت افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه و ایجاد عدالت و مبارزه با فساد و حصول طهارت اقتصادی، و حصول دانش ملی و خود بنیاد که مایه عزت و اقتدار ملتها است، یاد می شود اما به علت گستردگی مباحث صرفاً به تبیین امر اول (اقتصاد) پرداخته و بحث از امر دوم را به فرصتی دیگر وامی گذاریم. در این راستا ابتدا نگاهی کوتاه به بیان «تمدن اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» خواهیم داشت و سپس مهم ترین مولفه‌ی تمدن نوین اسلامی؛ یعنی، «اقتصاد مقاومتی» را تبیین و تحلیل خواهیم نمود.

این نکته نیز نسبت به پیشینه بحث قابل ذکر است که استنباط مباحث اقتصادی از محتوای حدیث عنوان بصری کاری است نو و ما پیشینه‌ای برای آن نیافتیم. علت انتخاب حدیث عنوان بصری برای استنباط مباحث اقتصادی، جایگاه عنوان بصری و درخواست او از امام صادق علیه السلام است؛ عنوان بصری یک مجتهد تراز اول کلاس مالک بن انس بوده که

متوجه علم‌آموزی حضرت می‌شود لذا از حضرت وقتی تقاضای علم و پیشرفت را می‌کند حضرت علیه السلام تمام کدهای پیشرفت را در اختیار عنوان بصری قرار می‌دهند از اقتصاد و نهضت نرم‌افزاری علوم گرفته تا ایجاد تمدن نوین اسلامی و راز ابقا و ماندگاری آن تمدن. این نوشته، با روشی تحلیلی - توصیفی و با هدف تبیین ایجاد و ابقاء تمدن نوین اسلامی، تنها به بحث اقتصادی آن پرداخته و تحلیل بقیه مسائل تمدن اسلامی را اگر عمری باشد به آینده موکول می‌کنیم و از خداوند متان مسئلت داریم عمری عنایت فرموده تا بقیه مسائل تمدنی را نیز از حدیث عنوان بصری استنباط نموده، در اختیار پژوهندگان علم و عمل قرار دهیم ان شاء الله.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تمدن

تمدن از واژه «مدن» در اصل به معنای اقامت و بنا و آبادی آمده و چون مردم در شهر اقامت می‌گزینند آن را مدینه گفته‌اند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق و طریحی، ۱۳۷۵: ذیل ماده مدن) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «این... الذین مدّنوا المدائن؛ کجایند آنها که شهرها را بنا کردند» (الشریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳) و «تمدن» که از باب «تفعل» است به معنای «آبادی و اقامت را به خود گرفتن، خوی کردن به اخلاق مردم شهرنشین و از جهل و نادانی به شهری‌گری و انسانیت تغییر کردن» (مالوف لوئیس، ۱۳۶۲: ذیل ماده مدن) است و در نتیجه به صورت مجاز در معانی «ادب» و «تربیت» نیز استعمال شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل تمدن)

۱.۲. تمدن اسلامی

بعضی اندیشمندان تمدن اسلامی را تقریباً مترادف «جهان اسلام» دانسته‌اند (بورلو، ۱۳۶۸: صص ۲۰ - ۳۰) برخی دیگر به تمدن قدسی که قانون و برنامه الهی است تعریف نموده‌اند بعضی هم تمدن اسلامی را جهانی شدن اسلام می‌دانند (نجفی، ۱۳۹۲: ص ۱۱ و ۷۰ - ۸۰) و بعضی دیگر تمدن اسلامی را غلبه حق و تعالی رحمان در مقابل شکست توسعه

ی شیطان دانسته‌اند (میرباقری، ۱۳۹۳: ص ۱۱۷-۱۳۳)

اجرای تمدن اسلامی مبتنی بر اجرای حقیقت عبودیت است و این تمدن نظیری در عالم نداشته و بایست آن را ایجاد نمود؛ امام خمینی ^{قدس سرّه الشریف} در آبان ۱۳۵۷ قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، در جواب سؤال مصاحبه‌کننده هلندی که شما می‌خواهید چه نوع حکومتی را جانشین نظام کنونی سازید؟ آیا شما تمدن اسلامی را با تمدن غربی کنونی ناسازگار می‌دانید؟؛ می‌فرمایند:

«رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه‌ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۱۴)

حقیقت عبودیت که تمدن‌زا بوده در یک نقطه تمام نمی‌شود و ادامه دارد. انقلاب اسلامی ایران که در صدد احیاء حقیقت عبودیت و بندگی برآمده است، تجلی کوچکی است از تمدن گسترده اسلامی؛ مقام معظم رهبری در تبیینی زیبا می‌فرمایند:

«انقلاب مرحلی دارد؛ آنچه در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با مفاهیم نو؛ در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ به این ارزشها اگر بخواهد تحقق بیخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن میشود دولت انقلابی. دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست -قانون درست این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی.» (<https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=39707>) که «شاخصه‌ی اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای

تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.»
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>)

پس آنچه که تمدن اسلامی را بارور می‌سازد حقیقت عبودیت است که در ادامه به حول وقوه الهی به تبیی ارتباط آن‌ها می‌پردازیم.

۳. تبیین حقیقت عبودیت

با توجه به حدیث شریف عنوان بصری که امام صادق علیه السلام در جهت تبیین نقشه علم و پیشرفت، ابتدا به تبیین حقیقت عبودیت می‌پردازند، می‌توان استظهار نمود که تمدن یا تمدن اسلامی مرتبه نهایی حقیقت عبودیت است؛ آنجایی که تمام اشتغالات عبد در اوامر و نواهی خداوند متعال قرار می‌گیرد از امور فردی گرفته تا امور اجتماعی همه و همه را قرار است انسان (عبد) الهی نماید:

«[حقیقة العبودية] ثلاثة اشياء: أن لا ير العبد لنفسه فيما خوله الله تعالى ملكا... و لا يدبر العبد لنفسه تدبيرا و جملة اشتغاله فيما امره الله تعالى به و نهاء عنه؛ [حقیقت بندگی] سه چیز است: [۱.] بنده برای خودش در آن آنچه که خداوندش عطایش کرده، ملکیتی نبیند. [۲.] و برای خودش، منهای خدایش، تدبیری نیاندیشد [۳.] و جمله اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد».

با توجه به فرموده امام صادق علیه السلام در این روایت شریفه، که گام اول حقیقت عبودیت را الهی دانستن مملوکات دانسته و در گام دوم الهی دانستن تدبیر و تدبر را لازم دانسته که هر دو مقدمه هستند تا سومی حاصل شود، می‌توان نتیجه گرفت که در سومی دیگر جامعیت مطرح است و تمام امور را در بر می‌گیرد و اینجاست که مدینه فاضله شکل می‌گیرد و تمدن اسلامی به پا می‌خیزد. آری تمدن اسلامی، در حدیث شریف عنوان بصری، تمدن به معنای اعم کلمه بوده که فرهنگ را نیز در بر دارد و به این معنا به اسلام منسوب است لذا هر جا واژه تمدن اسلامی مطرح می‌شود منظور همین معنا که اعم از معنای فرهنگ است، بوده یعنی مرتبه نهایی حقیقت عبودیت.

امام صادق علیه السلام در بیان دیگری در تبیین حقیقت عبودیت می‌فرماید: «العبودية، جوهره کونها الربوبية؛ گوهر ذات بندگی ربوبیت است» (امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ۱۳۶۰: باب اول و دوم، ص ۵-۹) به عبارت دیگر؛ کنه و حقیقت و به اصطلاح منطقی؛ فصل عبودیت ربوبیت است یعنی اگر عبودیت به ربوبیت نرسد، عبودیت نیست و روشن است یکی از معانی ربّ، پرورش و تربیت است و پرورش و تربیت مرتبط با تمدن است که به معنای خروج از جهالت بود.

در ادامه روایت امام علیه السلام می‌فرماید: «تفسیر العبودية بذل الكل و سبب ذلك منع النفس عما تهوى و حملها على ما تكره...؛ معنا و تفسیر عبودیت، بذل الكل و توسعه در بخشش است و سبب بذل الكل، منع کردن نفس است نسبت به خواهش‌هایش و وادارکردنش نسبت به اموری که ناخوش دارد «و مفتاح ذلك ترك الراحة و حبّ العزلة؛ کلید رسیدن به مرتبه منع نفس از خواهش‌های نفسانی، ترک راحت طلبی و عزلت و کناره‌گیری از امور دنیایی است «و طریق ترک الراحة و حبّ العزلة الافتقار الى الله تعالى؛ راه ترک راحت و اختیار عزلت پی بردن به احتیاج و افتقار خود در جمیع امور به خداوند متعال است»

در روایت "عنوان" بیان شد که امام علیه السلام اولین مرحله از مراحل سه گانه ی عبودیت را این می‌داند که بنده، تمام دارایی خود را از آن خداوند بداند این مرحله در صورتی تامین می‌شود که انسان، به افتقار محض و عین الربط بودنش پی ببرد در این صورت است که چیزی از مایملکش را از آن خود ندانسته و به بذل الكل و در نتیجه به عبودیت و ان شاء الله به ربوبیت خواهد رسید. بنابراین تمدن اسلامی اجرای کامل مراحل حقیقت عبودیت است و تمدن به معنای واقعی کلمه که مستفاد از آیات و روایات خصوصاً حدیث شریف عنوان بصری می‌باشد، مساوی و مساوق با حقیقت عبودیت خواهد بود.

تمدن نوین اسلامی

اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» جدای از اصطلاح «تمدن اسلامی» نمی‌باشد؛ از آنجایی که قرآن این سند جاودان حقانیت اسلام، «تبیانا لكل شیء» (نحل/۸۹) است بالتبع؛

کامل، جاوید و خاتم است لذا پویا و نوین بوده در نتیجه تمدن برخواسته از آن نیز همواره نو و پویا می‌باشد.

در سوره مبارکه نور خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده ی استخلاف می دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۵۵) اینکه به زودی جامعه‌ای برایشان تمکین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه با استدلال ثابت می‌کند که وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور موعود عجله بر پا می‌شود با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، صص ۱۰ - ۱۵۷)، آرمانی که رهبر انقلاب حرکت در آن مسیر را برای جوانان ترسیم می‌کند: «شما باید که باید پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) است، نزدیک کنید.» (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

اقتصاد مقاومتی اولین قدم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

با توجه به حدیث عنوان بصری، می‌توان برداشت نمود حقیقت عبودیت لازمه پیشرفت است و اولین گام در اجرای حقیقت عبودیت، گامی اقتصادی می‌باشد. توضیح آنکه: حدیث عنوان بصری فرمایش امام صادق عجله است برای عنوان بصری که در حین نقل حدیث، بالای نود سال سن داشته و می‌توان ایشان را بنوعی از مجتهدین تراز اول کلاس «مالک بن انس» دانست.

امام عجله همان ابتدا بت‌شکنی کرده و معلومات ایشان را «تعلم» می‌دانند نه علم (لیس العلم بالتعلم)

علم را از سنخ نور دانسته‌اند که اصل پیشرفت است و در عالم ماده، چیزی به سرعت

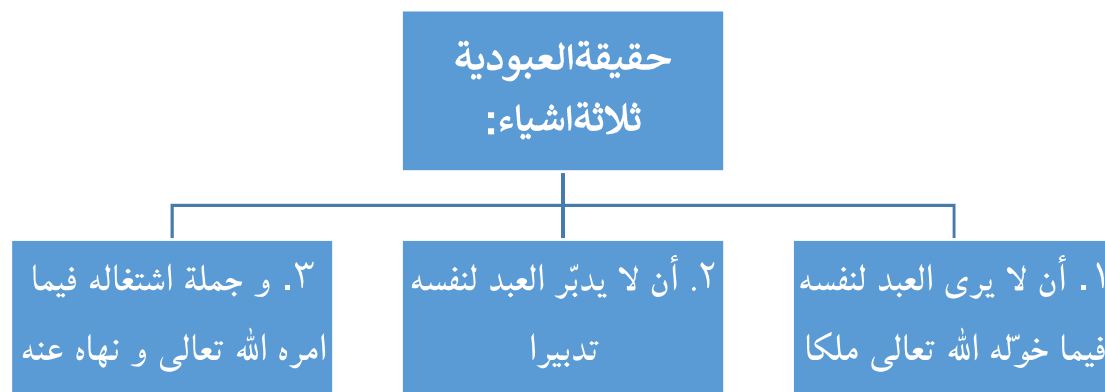
نور نمی‌رسد (انما هو نور) از این نکته نیز نبایست غافل شد که دانشمندان مسلمان پیشرفت را صرفاً در امور مادی ندانسته بلکه معتقدند پیشرفت متناسب با حقیقت انسان که روح و معنویت اوست، پیشرفت معنوی است که البته پیشرفت مادی را نیز به معنای درستش در بردارد.

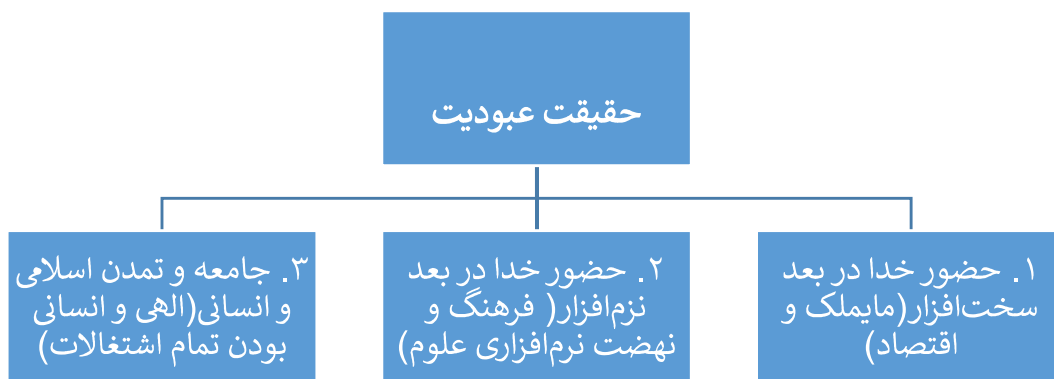
امام علی^{علیه السلام} در تبیین نقشه علم و پیشرفت، بر حقیقت عبودیت بسیار تکیه می‌فرمایند
(فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ)

حقیقت عبودیت را سه امر می‌دانند که می‌توان امر سوم آن را با توجه به تعبیر «جملة اشتغاله» در متن حدیث که شامل همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی عبد است، تمدن اسلامی دانست: «أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا... وَلَا يَدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَجُمْلَةً إِشْتِغَالِهِ فِي مَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاةً عَنْهُ».

و از آنجایی که کلام، کلام معصوم است، با توجه به ترتیب مطرح بین سه امر مشارالیه در تبیین حقیقت عبودیت، می‌توان برداشت نمود که امر اول از حقیقت عبودیت مقدمه دو امر بعدی است.

امر اول همچنانکه در توضیح «حقیقه هو المالکیة» خواهد آمد، به بحث مایملک و سخت‌افزار اشاره دارد و روشن است که از مهم‌ترین مباحث و موضوعات علم اقتصاد بحث ثروت و دارایی است و با توجه به تعریف اقتصاد مقاومتی پیش‌رو، می‌توان اولین گام تمدن اسلامی را اقتصاد مقاومتی دانست (أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا...)





اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانه‌روی و اعتدال (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ماده قصد) و در اصطلاح به معنای مدیریت دخل و خرج و هزینه‌هاست که یکی از رشته‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می‌کند بحث می‌کند. (مطهری، بهمن ۱۳۸۵: ص ۱۷)

اقتصاد اسلامی

اسلام در کنار توجه به بُعد معنوی حیات انسانی، به زندگی مادی و حیات اقتصادی بشر نیز توجه ویژه دارد. از این رو، در فقه، بابهای بسیاری به شئون مختلف این بُعد از زندگی انسان اختصاص یافته است، مانند زکات، خمس، انفال، تجارت، قرض، دین، رهن، تفلیس، حجر، ضمان، حواله، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، کفالت، وقف، صدقات، عطیه، هبه، سبق و رمایه، وصیت، عتق، جعله، کفارات، صید و ذباجه، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیاء موات، لقطه، ارث و دیات. همچنین بخشهایی از دیگر بابها به گونه‌ای با مسائل مالی مرتبط‌اند، مانند نکاح، خلع، یمین، نذر و عهد (ر. ک: شهید اول، ۱۴۱۰ ق: فهرست کتاب) مباحث اقتصادی با

بیش از صد هزار مسئله، افزون بر یک چهارم مباحث فقه را در بر می‌گیرد و حجم به نسبت زیادی از آیات و روایات را به خود اختصاص داده است، که می‌توان مجموع آنها را منابع شکل‌گیری اقتصاد اسلامی دانست.

در این که علم اقتصاد اسلامی وجود دارد یا خیر؟ بین اقتصاددانان مسلمان اختلاف نظر است؛ سید محمدباقر صدر اقتصاد اسلامی را به معنای مذهب اقتصادی اسلام می‌داند روشی که اسلام تبعیت آن را در حیات اقتصادی سفارش می‌کند و به دنبال توصیف و تبیین پدیده‌های اقتصادی و قوانین حاکم بر آنها نیست (صدر، ۱۴۱۷ ق - ۱۳۸۲؛ ص ۳۱۵ - ۳۲۰) در مقابل؛ برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند که اسلام علاوه بر داشتن مکتب اقتصادی، علم اقتصاد نیز دارد. (میرمعزی، ۱۳۹۴: ش ۵۹ و رفیعی، زمستان ۱۳۹۴: ش ۴)

خلاصه می‌توان گفت: اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای است از گزاره‌های دینی که به عنوان زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد ترسیم کرده است (مذهب اقتصادی) و فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به کار، سرمایه و ابزار تولید (رک: بهشتی، ۱۳۷۴: ص ۹)

اقتصاد مقاومتی

اصطلاحی است کشف شده از منابع اسلامی که برای اولین بار مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ آن را بکار برد و چون در شرایط تحریم بکار برده شده است بعضی‌ها تصور نموده‌اند این نوع اقتصاد، خاص زمان تحریم است و حتی بعضاً این نوع اقتصاد مختص کشورهایایی که از دموکراسی بالایی برخوردار نیستند اختصاص داده شده است (خبرگزاری فارس، <https://www.farsnews.ir/news/13930401001489> 3/4/1393) این در حالی است که مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، آن را نه تنها متعلق به یک دوره خاص ندانسته بلکه همیشگی و برخاسته از مکتب و فرهنگ اسلام می‌دانند:

«اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است، مربوط به شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست... قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید». (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>) (۲۰/۱۲/۱۳۹۲)

با توجه به اینکه اسلام مکتبی مستقل است، مکتب اقتصادی آن نیز بایست استقلال داشته و وابسته به مکاتب اقتصادی دنیا نباشد لذا اصطلاح اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد یعنی اقتصادی که در مقابل اقتصادهای دیگر تاب آورده و خود را نباخته و با هویت اصیل خود به شکوفایی و پویایی ادامه می‌دهد این مقاومت به معنای اعم کلمه است که اقتصاد تهاجمی نیز لازمه‌ی آن می‌باشد؛ به معنای اعطای نسخه جایگزین جهانی در قبال نسخه اقتصاد لیبرالیستی ویژه خوار که فعلا بر تمام جهان چنبره زده است.

در ادامه این نوشتار این نوع از اقتصاد را به عنوان عامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از منظر امام صادق علیه السلام تبیین می‌نماییم.

اجرای اقتصاد مقاومتی به عنوان نخستین مولفه‌ی تمدن نوین اسلامی

در روایت «عنوان بصری» امام صادق علیه السلام برای دستیابی به رشد علمی، حقیقت عبودیت را شرط می‌نماید (فان اردت العلم فطلب اولا فی نفسک حقیقة العبودية) و حقیقت عبودیت را در سه مرحله تبیین می‌فرماید: مرحله اول رسیدن فرد به این سطح از تفکر است که تمام آنچه را که خداوند به او عطا کرده است از آن خداوند ببیند نه خویشتن (أن لا یری العبد لنفسه فیما خوله الله تعالی ملکا) مهم‌ترین مساله اقتصادی که به منزله روح است نسبت به مباحث اقتصادی، مساله‌ی ملکیت و مالکیت است. این ملکیت در نگاه ابتدایی و ماهیت‌انگارانه استکبار را به دنبال دارد و از خلال این مفهوم استکبار است که

مسأله‌ی توسعه بدون توجه به عدالت مطرح خواهد شد و در نتیجه لیبرالیسم اقتصادی به وجود می‌آید اما با توجه به انسان مخلوق و محدودیت او و اینکه او هر چه دارد از خالقش است این نگاه استقلال‌مآبانه و ماهیت‌انگارانه اومانستی زدوده شده و نگاه عین‌الربطی و وجودانگارانه‌ی الهی به میان آمده در نتیجه خدا را مالک داشته‌های خود می‌داند و چون انسان مخلوق به این نگاه فائز شود، دیگر حرص و طمع نسبت به مایملک خویش نداشته و در نتیجه در طُرُقی که خدایش دستور داده آنها را مصرف می‌کند و این‌گونه اقتصاد اسلامی بارور می‌شود.

الگوی بسیار کوچکی از اقتصاد اسلامی را می‌توان در پیاده روی اربعین حسینی ع مشاهده نمود که افراد بدون هیچ چشم‌داشت مادی، به فعالیت مشغول‌اند!! نهایی‌ترین این مرتبه در زمان ظهور اتفاق می‌افتد که در روایات آمده که اوضاع اقتصادی به نحوی میشود که فقیر نایاب می‌شود! (مجلسی، ۱۴۰ ق، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۸۳)

استکبارزدایی اقتصادی؛ اولین بن‌لایه در ایجاد تمدن نوین اسلامی:

در قرآن کریم و روایات اسلامی فراوان به مبارزه با استکبار و زدودن آن از دامن خود و جامعه اسلامی توصیه شده است. از مهمترین اهداف بعثت انبیا آن است که مردمان قسط و عدل را بر پای دارند «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ تا مردمان عدالت را بر پای دارند» (حدید/ ۲۵) این هدف بزرگ محقق نمیشود مگر با از بین رفتن «استکبار اقتصادی» و «استضعاف اقتصادی» و این استکبار و استضعاف جز با چرخیدن عادلانه مال و امکانات معیشتی در جامعه از بین نمی‌رود و از این راه است که دین در جامعه حضور پیدا می‌کند زیرا که «العدل حياة الأحكام؛ با اقامه عدل است که احکام دین زنده می‌ماند و مورد عمل قرار می‌گیرد» (آمدی، ۱۴۱۰ ق: ح ۴۴)

ظلم اقتصادی که در چهره استضعاف و استکبار اقتصادی بروز می‌کند، از خطرناکترین انواع ظلم به شمار می‌رود که دیگر صورتهای ظلم را از قبیل ظلم سیاسی و فرهنگی به دنبال دارد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۵)

پول و ثروت کارکردی حیاتی و قوامی دارد، یعنی پشتوانه‌ای است برای زندگی مردمان، که نباید از آن وضعیتی بیرون رود «و لَا تُؤْتُوا الشُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را که خداوند سبب قوام زندگی شما قرار داده است به دست سفیهان مدهید» (نساء/ ۵) و این وضعیت جز با نظام اقتصادی متعادل و اجرای برنامه عدالت اقتصادی محفوظ نخواهد ماند، زیرا در چنین نظامی اقتصادی است که اموال و امکانات جامعه، پشتوانه یک زندگی انسانی، برای همه قشرهای مردم می‌گردد. و الا اگر انسان صرفاً به دنبال توسعه در اقتصاد باشد بدون توجه به عدالت، این آزادی و محدود نبودن مالکیت و مصرف که لازمه اقتصاد لیبرال است، زمینه را برای ظلم اقتصادی هموار می‌سازد، و راه را برای «تکاثر» و «اتراف»^۱ و «ویژه‌خواری» می‌گشاید.

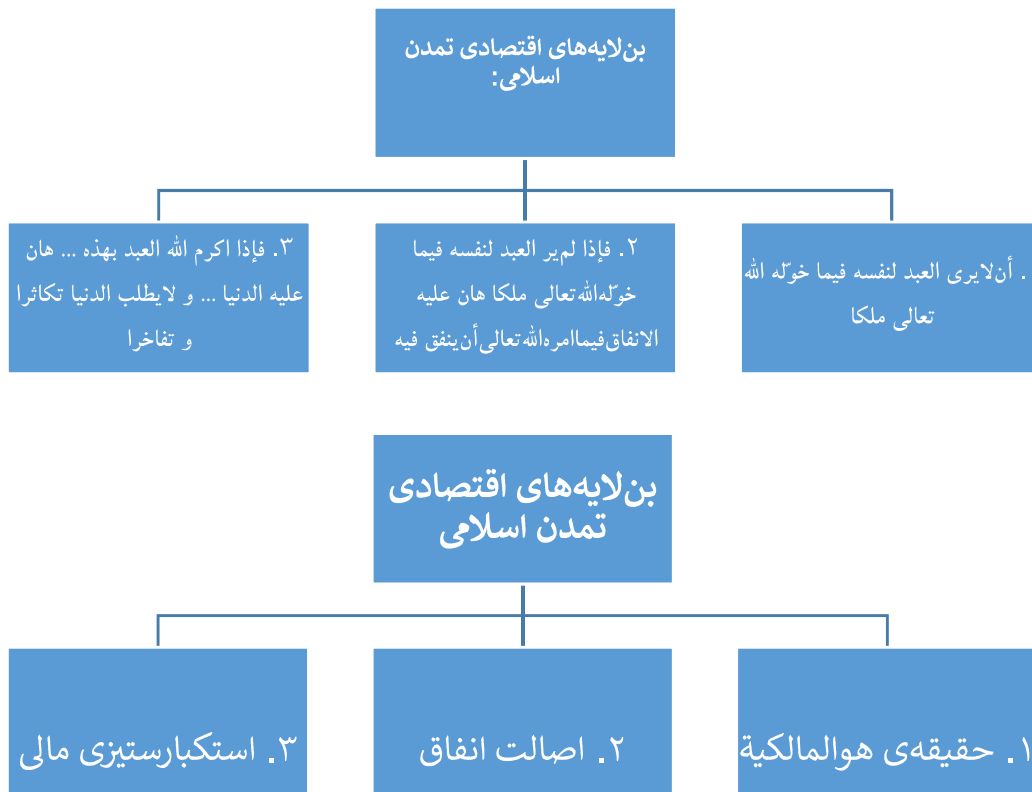
با توجه به فرمایشات امام صادق علیه السلام در حدیث شریف عنوان بصری، می‌توان نقشه‌ی مبارزه با این ظلم و استکبار اقتصادی را که به اجرای عدالت اقتصادی می‌انجامد، در سه مرحله تبیین نمود:

مرحله اول: رسیدن به این باور که انسان و مایملکش از آن خداوند متعال است که از آن به حقیقت «هوالمالکیة» تعبیر می‌کنیم.

مرحله دوم: توسعه در انفاق و انفاق‌گرایی؛ که حاصل امر اول است.

مرحله سوم: مبارزه با سرمایه‌داری و تکاثر و شادخواری (اتراف)؛ که محصول امر دوم است. از آن به «کثرت‌زدایی» یا «تکاثر و تفاخرستیزی» تعبیر می‌کنیم.

۱. واژه «اتراف» به کسر همزه از باب افعال از آیات کریمه قرآن اصطلاح شده است: ر.ک: مبارکه ۳۳ مومنون: «و قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاتِهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ»



مرحله اول: حقیقه‌ی هوالمالکیة

به حکم «لله ما فی السموات و ما فی الارض» (بقره، ۲۸۴) انسان مملوک خداوند بوده و هر چه دارد از اوست در نتیجه در تمامی اموری که دارد بایست خدایش را ببیند. این «خدادیدن» که لازمه وجودی و هویتی انسان مخلوق است، اگر همچنانکه متناسب با تکوین انسان است، تشریح انسان نیز متناسب با آن گردد، رشد و پیشرفت و در نتیجه تمدن اسلامی مهیا خواهد شد.

در حدیث عنوان بصری ششمین امام شیعیان ع وقتی می‌فرماید که مرحله اول بندگی آن است که عبد در مایملکی که خداوند به او عطا نموده، ملکیتی برای خویش نبیند. علت این امر را ویژگی تکوینی عبد دانسته و می‌فرماید: «لأنَّ العبيد لا یكون لهم ملک یرون المال مال الله و یضعونه حیث امرهم الله به؛ بدان جهت که بندگان را ملک نیست، مال را مال خدا

می‌دانند، و آن را در جایی که خدا فرموده است قرار می‌دهند» یعنی بندگان با توجه به تکوین و هستی خود که عبدند نه مولا، ملکیتی ندارند در نتیجه مال و مایملک را مال خدا و مولایشان می‌بینند و در همان راه مصرف می‌کنند

رکن اجرای اقتصاد مقاومتی به این است که انسان مایملک و دارائی‌های خودش را از آن خودش نداند درست عین وجودش که انسان چون مخلوق است، وجود دارد اما وجودی وابسته و متعلق به خالق و در نتیجه، گویا وجود ندارد؛ اگر به خودش نگاه کند و خویشتن را ببیند، به اصطلاح؛ حیثیت فی‌نفسه و استقلالی برای خودش در نظر بگیرد، اوست که وجود دارد و بس؛ و اگر از این جهت به خودش نگاه کند که او مخلوق است نه خالق، و مخلوق هویت وجودی‌اش را مدیون خالقش می‌باشد، و به اصطلاح؛ حیثیت فی‌غیره و رابط و وابسته‌بودنش را در نظر بگیرد، می‌فهمد که او وجود ندارد و خداوند است که وجود دارد و بس. این امر (تناقض‌نما) خاصیت حقائق تشکیکی است وقتی به مرتبه‌ای از این حقیقت نگاه می‌کنیم فکر می‌کنیم همان است که موجود است اما وقتی به مرتبه‌ای دیگر نگاه می‌کنیم می‌بینیم همان نیست بلکه امر دیگری در کار است و از همین جا حمل شایع دیگری در علوم عقلی به میان می‌آید به اسم حقیقه و رقیقه. وقتی به رقیقه که وابسته است نگاه می‌کنیم فکر می‌کنیم خودش است که موجود است و بس اما وقتی به حقیقه نگاه می‌کنیم می‌بینیم خیر، اتفاقاً او گویا اصلاً موجود نیست و فقط حقیقه است که موجود است و اگر رقیقه وجودی دارد وجودی وابسته دارد این موجود وابسته همچنانکه در وجود وابسته است و کمالش به این است که هر چقدر می‌تواند وابستگی‌اش را ببیند و آن را لحاظ کند، در امور تشریحی و اکتسابی و معاش و زندگی‌اش نیز اینگونه خواهد بود؛ اگر در مال و اموال خود، خویشتن را ببیند نه خدایش را در این صورت گرفتار اومانسیم و بالتبع استکبار یا استضعاف اقتصادی خواهد گشت اما اگر در مال و اموالش، خدایش را دید نه خویشتن را رشد کرده و به پیشرفت حقیقی نزدیک‌تر خواهد گشت و در این صورت زمینه برای از بین بردن استکبار و استضعاف اقتصادی فراهم شده و مسیر اقتصاد مقاومتی و اسلامی هموار

می‌گردد. به عبارت دیگر هر چقدر انسان بتواند «حقیقه‌ی هوالمالکیه» را در امور خویش ببیند به پیشرفت تمدنی نزدیک‌تر شده و نسبت به ایجاد تمدن نوین جهانی اسلامی اثربخش‌تر خواهد بود.

در روایت عیسی بن موسی، امام می‌فرماید: «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ فَضْداً وَ يَشْرَبُوا مِنْهُ فَضْداً... فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ أَكْلَهُ مِنْهُ حَرَاماً وَ مَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَاماً...؛ مال مال خداست که آن را به صورت امانت به بندگان خود سپرده و به ایشان فرمان داده تا با میانه‌روی از آن بخورند، بیاشامند، بپوشند، برای ازدواج هزینه کنند، از آن وسیله سواری بخرند؛ و آنچه باقی می‌ماند به فقراى مؤمنان بدهند؛ پس هر کس از این روش (میانه روی) تجاوز کند، خوردن و نوشیدن و پوشیدن و ازدواج کردن و وسیله سواری خریدن او همه حرام است.» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ص ۲۶۹. و نیز مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۱۶. و نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۵۲)

در حدیث دیگری از رسول خدا نقل می‌کنند که حضرت کسی را که مال و اموال را به خویشتن نسبت میدهد و از خداوند شکایت می‌کند به سختی مورد مذمت قرار می‌دهد «وَيْحَكَ وَ هَلْ أَضَلُّ مَالِكَ وَ ذُرْوَيْتُهُ إِلَّا مِنْ رَبِّكَ؛ ای وای، آیا اصل مال تو و سرمایه تو، جز از پروردگار تو است؟» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۱۲. و نیز: مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۴۳۰)

مرحله دوم: اصالت انفاق

از اموری که می‌تواند عدالت اقتصادی را به ارمغان بیاورد، بحث انفاق است که مبارزه با فساد و به تبع طهارت اقتصادی را بدنبال دارد. از تدبیر در آیات قرآنی و احادیث اسلامی، به اهمیت و تأثیر آن میتوان پی برد تا آن حد که امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرمایند:

«... لیکن نظرکم عبرا... و طبیعتکم السخاء؛ فإِنَّه لا یدخل الجتة بخیل، و لا یدخل النار سخی؛ باید نگاه شما به هر چیز برای پندآموزی و عبرت‌گیری باشد، و طبیعت شما

جود و بخشندگی باشد زیرا که هیچ بخیلی به بهشت داخل نمی‌شود، و هیچ بخشنده دستی به آتش دوزخ در نمی‌آید» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق: ص ۳۹۰) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شَابُّ سَخِيٍّ مُرَهَّقٌ فِي الدُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شَيْخِ عَابِدٍ بَخِيلٍ؛ جوان سخاوتمندی را که فرو رفته در گناهان باشد، خدای بزرگ بیش از پیرمرد عابدی که بخیل باشد دوست دارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ح ۱۷۰۸)

پیامبر اسلام یکی از اهداف بعثت انبیاء را انفاق و هزینه‌گذاری می‌داند: «لَمْ يُبْعَثْ لِيَجْمَعْ الْمَالَ وَ لَكِنْ بَعَثْنَا لِانْفَاقِهِ؛ ما (پیامبران) برای جمع آوری مال مبعوث نگشتیم بلکه برای انفاق آن مبعوث گشتیم» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۸۳) بنا بر معنای آشکار و صریح این حدیث نبوی و امثال آن، جمع آوری مال و خودداری از انفاق آن، مخالف با مقاصد دین و شرایع پیامبران است. (حکیمی، همان، ج ۶، صص ۱۰۰-۱۱۰)

در حدیث شریف عنوان بصری امام صادق علیه السلام راه رسیدن به اقتصاد اسلامی را که گذرگاه تمدن جهانی است، انفاق می‌داند و می‌فرماید: «... فَإِذَا لَمْ يِر الْعَبْدَ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوْلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْانْفَاقَ فِيمَا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَنْفِقَ فِيهِ...؛ اگر عبد در مواردی که خداوند متعال به او عطا نموده برای خودش ملکیتی را ندید انفاق در مواردی که خداوند متعال، در آنجا امر به انفاق فرموده، برایش آسان می‌شود»

از این فرمایش امام نکته‌ها می‌توان نتیجه گرفت، برخی از آنها را اشاره می‌کنیم:

۱. اجرای تمدن اسلامی از مجرای انفاق می‌گذرد. زیرا همچنانکه گفتیم حقیقت عبودیت که همان تمدن نوین اسلامی است زمانی اجرا می‌شود که اقتصاد مقاومتی (حقیقه‌ی هوالمالکیه) شکل بگیرد و اقتصاد مقاومتی شکل نمی‌گیرد مگر با انفاق یعنی از رفع تالی در فرمایش امام رفع مقدم را نتیجه می‌گیریم (اذا لم يِر الْعَبْدَ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوْلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْانْفَاقَ؛ عدم استکبار مالی، انفاق آفرین است پس عدم انفاق باعث ایجاد شدن استکبار و استضعاف اقتصادی خواهد شد و استکبار اقتصادی همان و عدم ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز همان؛ زیرا تمدن اسلامی مبتنی بر اسکارزدایی اقتصادی

است).

۲. واژه «هان» در لغت هم به معنای آسان شدن پس از سختی و هم به معنای شیرین شدن پس از تلخی آمده از تعبیر «هان» می‌توان به این نتیجه رسید که اجرای انفاق به آسانی نیست زیرا شخص با انفاق و هزینه‌گذاریش، در مقابل حیثیت استقلالی و استکباری نسبت به ملکیتش، قرار می‌گیرد و این حیثیت را زمین زدن، سخت و مشکل است.

۳. از تعبیر «فیما امره الله تعالی ان ینفق فیه» استفاده می‌شود که امر خدا را در انفاق پیدا کردن و در آن راستا فعالیت نمودن مشکل است. بعضی از انفاق‌ها ممکن است بر طبق امر و اراده الهی نباشد: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (در انفاق به محتاجان زیاده روی مکن) نه بخل بورز که گویی دستت را به گردنت بسته‌اند و نه آن چنان باز کن که چیزی (برای روز مبادا) نزد خود نگذاری آن وقت تهی دست بنشین و خود را ملامت کنی» (اسرا/۲۹)

از اینجا این نکته روشن می‌شود که صرف انفاق کردن اقتصاد مقاومتی را بارور نمی‌سازد این انفاق بایست بر طبق شرائط باشد که کلیتش آن است که مخالف با امر الهی نباشد. اگر در جامعه‌ای انفاق با شرائط درستش صورت گرفت معلوم می‌شود آن جامعه از حیث اعتقادی سالم است که زمینه ست برای شکست لیبرالیسم و استکبار جهانی. توضیح مطلب آنکه: یکی از عوامل دشمنی یهود و صهیونیسم جهانی با انقلاب اسلامی در همین نکته است که اگر مکتب اسلام درست پیاده شود به اجرای گسترده انفاق رسیده و در این صورت تمام سرمایه‌داران جهانی، عرصه را بر خود تنگ خواهند دید. لذا به جمهوری اسلامی، هم از طریق جنگ سختو هم از طریق جنگ نرم به شدت حمله می‌کنند.

۴. نکته دیگری که از فرمایش امام صادق علیه السلام می‌توان استفاده نمود ارتباط درست علم و عمل و به اصطلاح علمی، تولید فنّ و فنّ‌آوری است. امام علیه السلام می‌فرمایند: «اذا لم یرالعبد لنفسه فیما خوّل الله تعالی ملکا هان علیه الانفاق...» بحث این است که عبد ابتدا نگاه و باور خویش را نسبت به عدم استکبار مالی (حقیقه‌ی هو المالکیة) تصحیح نماید که این

تصحیح با توجه به تعبیر «لم یر» در حوزه عقاید و باور مطرح می‌شود که اگر این باور حاصل شد، عمل نیز پشت سر آن خواهد آمد؛ یعنی، آسان شدن انفاق.

مرحله سوم: تکاثرستیزی

جامعه اسلامی، جامعه‌ای میانه‌رو است. قرآن کریم از مسلمانها میانه‌روی در اقتصاد و معیشت را مطالبه می‌کند «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل/۹) و از امتهای مقتصد و میانه‌رو تمجید و از کسانی که این ویژگی را نداشته باشند، نکوهش نموده است و جامعه‌ای که کثرت‌اندوزی و اتراف بر آن حکومت نماید به طوری که ستم‌گری در آن گسترش یابد، جامعه‌ای جاهلی معرفی شده است «أَلَا! وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّكُمْ؛ هَشِيَارٌ بَاشِيدٌ كَمَا رَوَّزَكَارٌ أَرْمَاشٌ بِهٖ هَمَانُ شَكْلٌ خُودٌ دَر رُوزِ بَعَثَ رَسُولَهُ ﷺ بِهٖ شَمَا بَازِ گُشْتَهٗ» (الشریف الرضی، همان: خطبه ۱۶، ص ۵۷) در اینجا امیرالمومنین علیه السلام اوضاع زمانه‌ی بعد از عثمان را به علت کثرت‌اندوزی و اتراف برگشت به زمان جاهلیت می‌داند.

نظام مالی در اسلام مبتنی بر همیاری اجتماعی است نه بر مبارزه و رقابت برای مالکیت و آزادی در خرج و مصرف. و آشکار است که مستولی شدن مشتی از ویژه‌خواران بر اجتماع زمینه را برای کشمکش گروهها بر سر مالکیت فراهم می‌آورد و در این هنگام پیوندهای اجتماعی - که باید دارای بهترین و آرمانی‌ترین شکل باشد - به پیوند میان آکل و مأکول (خورنده و خورده شده) بدل می‌شود، چنان که امام علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: «يَأْكُلُ عَزِيْرُهَا ذَلِيْلَهَا وَ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا؛ دَنِيَايِي كَه نِيْرُومَنْدَش ذَلِيْلُ اَنْ رَا مِي خُورْد، وَ بَزْرُگَش كُوجَكِ اَنْ رَا» (ابن شعبه، همان: ص ۷۶) و این همان مصیبت و فاجعه‌ای است که امام سجّاد، زین العابدین علیه السلام با این سخن بیدارکننده و انقلابی خود به آن اشاره کرده است: «أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! مَصِيْبَتِكُمُ الطَّوَاغِيْتِ مِنْ أَهْلِ الرِّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا؛ فَاجِعَةٌ دَر زَنْدَگِي شَمَا هَمِيْن طَاغُوتِهَايِ مَتَمَايِلِ بِهٖ دَنِيَا هَسْتَنْد...». (حکیمی، همان: ج ۳، ص ۳۶۵)

اقتصاد تکاثری، که از لوازم آن طبقه‌بندی و تقسیم جامعه به مرفه و مسکین می‌باشد،

در نظر اسلام، اقتصادی طاغوتی است. اقتصادی که در آن نفس طغیانگر، خواستار مال فراوان می‌شود و در جستجوی آن تلاش می‌کند و هنگامی که به آن رسید به طغیان می‌پردازد «كَأَنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَئِيمٌ * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى * خَيْرٌ، آدمی طغیان می‌کند، چون خود را از توانگران بیند» (علق ۶/ ۷) و طغیان مالی، طغیان در دیگر سطوح زندگی را در پی دارد. لازمه این طغیان، اسارت و بارکشی اقتصادی است زیرا آدمی نیازی ابتدایی به خوراك و پوشاك و خانه و بهداشت دارد، و اگر این نیازمندیها برطرف نشود، به نابودی او می‌انجامد، پس هیچ اسارتی برای او زیانبارتر از این اسارت نخواهد بود، یعنی اسارت برای فراهم آوردن این نیازهای ضروری. (همان، ج ۳، ص ۳۵۹)

قرآن کریم، محور قرار دادن مال را که به طغیان می‌انجامد ناپسند دانسته و از آن بیم می‌دهد «فَأَمَّا مَنْ طَغَى... فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى هِر كَس طغیان ورزد... بی‌یقین دوزخ جایگاه او است» (نازعات/ ۳۷) و رسالت خود را آزاد کردن انسان و رهانیدن او از همه اشکال اسارت می‌داند «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ بار گران (و تحمیلی) از ایشان بر می‌گیرد، و بندهای ایشان را بر می‌دارد» (مبارکه اعراف / ۱۵۷). چرا که طبق مقتضای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (مبارکه حجرات / ۱۰) جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که روح برادری و تکافل، بر آن حکومت می‌کند و اثر چنین روحی در روابط اقتصادی مردم با یکدیگر - که مهمترین جلوه‌گاه روح برادری و تکافل است - دیده می‌شود. کار کردن بعضی برای بعضی دیگر، امری لازم برای اجتماع است، تا از این راه نیازمندیهای مردم از طریق بکار افتادن استعدادها و مهارت‌های مختلف برطرف شود، و بعضی از ایشان در خدمت بعضی دیگر واقع شوند، لیکن به صورتی متناسب، با تعهد به روح برادری و مراعات موازین عدل و احسان، و حفظ کرامت انسانی «وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ (مبارکه آل عمران / ۶۴) نباید برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا ربّ (و صاحب اختیار) خویش قرار دهند». لذا مقصود از این کار کردن، آن صورت بهره‌کشانه‌ای نیست که مردمان را به خورنده (آکل) و خورده‌شده (مأکول) اقتصادی تقسیم می‌کند. این در اسلام مردود است، چنان که

در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «لا سخرة علی مسلم؛ (عاملی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱۹، ص ۶۳) مسلمان را نمی‌توان به بیگاری گرفت». و چنان که امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «لا تسخروا المسلمین فتذلوهم؛ مسلمانان را به سخره و بیگاری مگیرید که این سبب خوار کردن آنان می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۷۲). پس اصول و چارچوبهای اقتصادی در اسلام این بهره‌کشی را طرد می‌کند و آن را از میان می‌برد.

امام صادق علیه السلام در حدیث شریف عنوان بصری، بعد از تبیین حقیقت عبودیت (تمدن نوین اسلامی) می‌فرماید: «... إذا اکرم الله العبد بهذه الثلاثة^۱ هان علیه الدنيا... لا یطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً؛ ... زمانی که خداوند متعال به بنده‌اش آن سه امر در حقیقت عبودیت را اکرام نمود، دنیا بر او آسان / سبک / راحت می‌شود... و دنیا را به خاطر کثرت‌اندوزی و فخرفروشی طلب نمی‌کند». با توجه به تعابیری که امام علیه السلام در اینجا بکار می‌گیرند، نکته‌هایی را یادآور می‌شویم:

۱. با توجه به واژه‌ی «دنیا» در تعبیر امام علیه السلام، در اجرای حقیقت عبودیت (تمدن اسلامی) حتماً دنیا و توجه به دنیا مطرح است. نمی‌توان به دنیا کاملاً بی‌توجه بود زیرا انسان یک سری نیازهایی گریزناپذیر دارد از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن که بدون توجه به دنیا نمی‌توان برای آنها برنامه‌ای ریخت.

۲. با توجه به تعبیر «لا یطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً» دنیا را بایست طلب کرد و بدنبال آن بود اما طلب دنیا جهت و حیث دارد، مطلق، آزاد و رها نیست تا به اقتصاد لیبرالیستی و

۱. آن سه امر همچنانکه قبلاً اشاره کرده‌ایم عبارت‌اند از: ۱. آن لایری العبد لنفسه فیما خوله الله تعالی ملکا ۲. آن لایدبّر العبد لنفسه تدبیراً و ۳. جملة اشتغاله فیما امره الله تعالی و نهاه عنه؛ ۱. عبد در تمام مواردی که خداوند متعال بدو اعطا نموده، ملکیتی برای خویش نبیند (حقیقه‌ی هوالمالکیة) ۲. برای خویش بطور مستقل تدبیری نیاندیشد (حقیقه‌ی هوالمدبّرّیة) و اجرای نهضت نرم‌افزاری علوم اسلامی که امر بسیار مهم در اجرای تمدن نوین اسلامی خواهد بود که به حول و قوه‌ی الهی در نوشتاری دیگران را تبیین خواهیم نمود) ۳. تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی الهی باشد (تمدن اسلامی یا مرحله عالی‌تر تمدن، که از تحقق جامعه آرمانی در زمان ظهور مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می‌دهد).

استکبار اقتصادی و اترافی‌گری بیانجامد. جهت طلب دنیا، هر امری است که منجر به اشرافی‌گری و طغیان‌گری و در نتیجه اقتصاد طاغوتی در مقابل اقتصاد الهی نگردد. اینجا دستور اسلام مبارزه با تکاثر و کثرت‌خواری، اتراف و شادخواری، رانت‌خواری و ویژه‌خواری است:

«وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلِّ مِّنْ يَحْمُومٍ* لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ* إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ؛ و اما اصحاب شمال چه اصحاب شمالی؟ (نامه اعمالشان به نشانه جرم به دست چپشان داده می‌شود) *که در آتشی نافذ و آبی جوشان* و در سایه‌ای از دود سیاه قرار دارند* که نه خنکی دارد، و نه سودی می‌بخشد* چون ایشان قبل از این در دنیا عیاش (شادخوار) و طاغی بودند» (واقعه ۴۱/ تا ۴۵)

«حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأُؤُونَ؛ تا آن گاه که ما کثرت‌خوار و شادخواران آنها را به عذاب اعمالشان بگیریم در آن حال فریاد خدا خدایشان (چون صدای گاو وحشی) بلند شود» (مومنون، ۶۴)

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم ویژه‌خوارها و سرمایه‌داران آن شهر را امر کنیم راه فسق و تبه‌کاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند و آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت آن گاه همه را بجرم بدکاری هلاک می‌سازیم» (اسرا/ ۱۶۹)

آری این لازمه اقتصاد آزاد و لیبرال و طاغوتی است که گروهی سرمایه‌دار و مرفه بر گروهی دیگر چیره شده و جامعه را به خاطر ابقاء خویشتن، به استضعاف و فقر و احتیاج، می‌کشانند رهبری حکیم و فرزانه انقلاب جلوگیری از چنین وضعی را برای پیشرفت جامعه لازم می‌دانند:

«جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به‌وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه» () <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>

«در راه پیشرفت، اشرافی‌گری ممنوع است؛ لذت جوئی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن، برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیت‌هاست که می‌توانیم به قله برسیم» (content?id=19996https://farsi.khamenei.ir/speech- (۱۴/۰۳/۱۳۹۱)

امام صادق علیه السلام در این نشست علمی با عنوان بصری که قرار است نقشه علم و پیشرفت را به عنوان بدهند، طبیعتاً بایست نسخه و فرمول گذر از دنیا را به عنوان بدهند تا تمدن نوین اسلامی (اجرای حقیقت عبودیت) اتفاق بیافتد. امام علیه السلام این نسخه و این فرمول را در یک جمله می‌فرمایند: «لایطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً؛ عبد دنیا را به خاطر تکاثر و اتراف، تفاخر و مباهات نمی‌خواهد» یعنی با اجرای تمدن اسلامی به اینجا می‌رسیم که انسان دنیا را به خاطر کثرت‌اندوزیش طلب نمی‌کند، صحبت از وقوع جامعه‌ای آرمانی در نقشه پیشرفت تمدنی‌ای است که امام علیه السلام به عنوان بصری افاضه می‌کند. و از طرفی دیگر همین امر باعث حصول تمدن نوین اسلامی خواهد بود؛ یعنی، اگر در جامعه‌ای تکاثر و اتراف وارد شد آن جامعه معیوب است، به تمدن نخواهد رسید. بایست تکاثر و اتراف از آن جامعه زدوده شود و با کثرت‌اندوزی و فخر فروشی که لازمه‌اش سرمایه‌داری و اشرافی‌گری است مبارزه نمود تا جامعه در مسیر حقیقت عبودیت افتد و به حقیقه‌ی هوالمالکیه نزدیک و در نتیجه از اقتصاد طاغوتی و اقتصاد استکباری و استضعافی نجات پیدا نماید. این «لایطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً» یک فرهنگ است تفاخرستیزی و اشرافی‌زادایی است این امر تا محقق نشود حقیقه‌ی هوالمالکیه نخواهد آمد و در نتیجه تمدن نوین اسلامی تشکیل نخواهد گردید.

البته که طی این طریق آسان نیست و به فرموده رهبری انقلاب: «یک جامعه وقتی در یک راه نویی قدم میگذارد و با یک مدّعی متفاوتی وارد این جنگل انبوه تعارضات بین‌المللی میشود، در دوره‌های مختلف، اوضاع گوناگونی پیدا میکند که بایستی برطبق آن اوضاع، شرایط خودش را تطبیق کند در صدر اسلام هم همین جور بوده است، امروز هم همین جور است؛ تعارضهای جهانی وجود دارد؛ این دنیای سیاست بین‌المللی یک جنگل

انبوهی است، ما هم برخلاف جریان داریم حرکت میکنیم. جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گردد، یک عده هم زیر بار این سلطه میروند، سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت میکنیم؛ در این چهل سال این جوری پیش رفته‌ایم، این جوری حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع و احوال حواسمان جمع باشد، دقتمان زیاد باشد، « (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

نتیجه:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم» (اعراف، ۴۶)

مردم تمدن نوین اسلامی که همسو با استقلال، آزادی، عزت ملی و سبک زندگی اسلامی است، اقتصاد انسانی - مقاومتی - اسلامی است.

رکن اقتصاد انسانی - مقاومتی - اسلامی، عدالت بوده که با انفاق و جهاد اقتصادی بارور می‌شود.

رمز حصول انفاق در جامعه، مبارزه با اترافی‌گری و استکبار مالی، می‌باشد و در این صورت است که شفافیت مالی مال‌داران حاصل شده و فرهنگ حقیقه‌ی هوالمالکیه شکل گرفته و به این صورت اقتصاد مقاومتی انسانی - اسلامی تشکیل گردیده و عدالت اقتصادی حاصل شده و آن نحو توسعه‌ی اقتصادی که لازمه‌اش کثرت‌خواری و ویژه‌خواری است رخت بر بسته و زمینه از طریق طهارت اقتصادی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم می‌گردد.

با ایجاد تمدن نوین اسلامی تقوای اجتماعی و سیستمی به منصفه ظهور خود رسیده و حقیقت عبودیت با آن آبیاری گشته و به نهال تنومند تمدن جهانی اسلام خواهیم رسید.

این همان سخن امام صادق علیه السلام است که در انتهای تبیین نقشه اجرای حقیقت عبودیت (تمدن اسلامی) می‌فرماید: «این حقیقت عبودیت اولین درجه تقواست همان طور که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ این خانه آخرت را به کسانی اختصاص می‌دهیم که نمی‌خواهند در زمین برتری نمایند و فسادانگیزی کنند و سرانجام، خاص متقین است» (قصص/۸۹) که اگر «عاقبت» را همان «دارالآخرة» بدانیم، آیه مبارکه را می‌توان استدلالی به نحو قیاس شکل سوم دانست که حد وسط قیاس در هر دو مقدمه موضوع می‌باشد: «الدار الآخرة (العاقبة) للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا» (مقدمه اول) و «العاقبة للمتقين» (مقدمه دوم)، اگر حد وسط (العاقبة) حذف شود، نتیجه گرفته می‌شود که «الذين لا يريدون علوا في الارض... [هم] المتقين».

حقیقه هوالمالکیه، به عنوان اولین بن‌لایه اقتصاد مقاومتی - انسانی - اسلامی، باعث حصول انفاق و انفاق، کاشف از حقیقه هوالمالکیه می‌باشد.

حصول انفاق در جامعه، استکبارستیزی اقتصادی را بدنبال خواهد داشت که مهمترین عامل در حصول طهارت اقتصادی و نشانه تقدم عدالت بر توسعه است.

بر طبق آموزه‌های اسلام اجرای اقتصاد مقاومتی علت تامه‌ی اجرای تمدن نوین اسلامی نبوده و تنها یک عامل مهم و مؤثر در این راستا است از این حدیث عامل مهم دیگری قابل برداشت است و آن «نهضت نرم‌افزاری علوم انسانی - اسلامی» است که خود مقاله‌ای مفصل می‌طلبد.

فهرست منابع:

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (زنده در ۹۰۱ ق)، ۱۴۰۵ ق، عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: مجتبی عراقی، ۴ جلد، قم، دار سید الشهداء للنشر.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (متوفای ۳۸۱ ق)، ۱۳۷۶، الأمالی (للسدوق)، چ ۶، تهران، کتابچی.
 ۳. -، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ۴ ج، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (متوفای قرن ۴ ق)، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ش، تحف العقول، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۲، قم، جامعه مدرسین.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (متوفای ۷۱۱ ق)، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، ۱۵ ج، چ ۳، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
 ۶. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ ق، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، محقق / مصحح: مجتبی فرجی، ۷ ج، قم، دار الحدیث.
 ۷. بورلو، ژوزف، ۱۳۸۶، تمدن اسلامی، ترجمه اسد الله علوی، ویراسته جواد طهوریان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
 ۸. بهشتی، محمد، ۱۳۷۴، اقتصاد اسلامی ۱، چ ۶، تهران، فرهنگ اسلامی.
 ۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (متوفای ۵۵۰ ق)، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، چ ۲، قم، دار الکتاب الإسلامی.
 ۱۰. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، ۱۳۸۰، الحیة، ترجمه احمد آرام، ۶ ج،

تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۱. خامنه‌ای، سید علی، بیانات، سایت. khamenei.ir
۱۲. -، بیانات در دیدار با دانشجویان، [https://farsi.khamenei.ir/audio-](https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=39707)، ۱۳۹۷/۳/۷، content?id=39707
۱۳. -، دیدار مقام معظم رهبری در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795)، ۱۳۹۳/۱۲/۲۰، content?id=25795
۱۴. -، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886)، ۱۱/۰۵/۱۳۹۵، content?id=33886
۱۵. -، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱، content?id=19996
۱۶. -، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421)، ۱۵/۰۶/۱۳۹۷، content?id=40421
۱۷. -، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، content?id=41673
۱۸. خبرگزاری فارس، مقاله «دولت‌های رانتیر و اقتصاد مقاومتی»، مورخه ۳ تیر ۱۳۹۳ <https://www.farsnews.ir/news/13930401001489>
۱۹. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، ۲۲ جلد، تهران، چ ۵، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد (متوفای ۸۴۱ ق)، ۱۴۰۸ ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (متوفای ۵۰۲ ق)، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم -

الدار الشامية.

۲۳. رفیعی آتانی، عطاءالله، زمستان ۱۳۹۴، مقاله «تناسب موضوع و روش در علم اقتصاد: رهیافتی فلسفی برای اقتصاد اسلامی»، فصلنامه نظریه‌های اقتصادی، سال دوم، ش ۴، ص ۱۶۹-۱۹۷. ۷۹.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (متوفای ۴۰۶ ق)، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغة، محقق / مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۲۵. شعیری، محمد بن محمد (متوفای قرن ۶)، بی‌تا، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعة حیدریة.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (متوفای ۷۸۶ ق)، ۱۴۱۰ ق، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، تحقیق محمد تقی و علی اصغر مروارید، بیروت - لبنان، الدار الإسلامية.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی (متوفای ۹۶۶ ق)، ۱۳۷۷ ش، شرح مصباح الشریعة، ترجمه عبدالرزاق گیلانی، محقق / مصحح: محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، تهران، پیام حق.
۲۸. صادق علیه السلام، ۱۳۶۰ ش، مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۲۹. -، ۱۴۰۰ ق، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی.
۳۰. صدر، محمد باقر، ۱۴۱۷ ق - ۱۳۸۲، اقتصادنا، تحقیق: مکتب الاعلام الاسلامی - فرع خراسان، قم، بوستان کتاب.
۳۱. صدر، موسی، ۱۳۶۱، اقتصاد در مکتب اسلام؛ کار، سرمایه، ابزار، قم، اهل بیت.
۳۲. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۹، تمدن زایی شیعه، اصفهان، لب‌المیزان.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج ۱۵، چ ۲، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۴. طبرسی، علی بن حسن (متوفای ۶۰۰ ق)، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش، مشکاة

- الأنوار في غرر الأخبار، ج ۲، نجف، المكتبة الحيدرية.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (متوفای ۵۴۸ ق)، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله طباطبایی یزدی و هاشم رسولی، ۱۰ ج، ج ۳، تهران، ناصر خسرو.
۳۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (متوفای ۱۰۸۷ ق)، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری، ۶ ج، ج ۳، تهران، مرتضوی.
۳۷. عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، ۲۹ ج، چاپ اول، ج ۱۶، قم، مؤسسه‌ی ال‌بیت.
۳۸. فدیر، لوئیس، ۱۳۶۶، خودآموز اقتصاد، ترجمه فیروزه خلعت‌بری، ج ۲، تهران، شب‌اوین.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد (متوفای ۱۷۵ ق)، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، ۹ ج، ج ۲، قم، هجرت.
۴۰. فیومی، أحمد بن محمد (متوفای ۷۷۰ ق)، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ۲ ج، ج ۲، قم، مؤسسه دار الهجره.
۴۱. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، قاموس قرآن، ۷ ج، ج ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۲. کرمی قهی، محمد تقی (و دیگران)، ۱۳۸۶، جستاری نظری در باب تمدن، تدوین و تحقیق: حبیب‌الله بابایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (متوفای ۳۲۹ ق)، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط - الإسلامیه)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ ج، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، مرآة العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، محقق / مصحح: سیر هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران، دار الکتب

الاسلامية.

۴۵. --، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار (ط - بیروت)، محق / مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، ۱۱۱ ج، بیروت، دار احیاء التراث العربیة.
۴۶. مطهری، مرتضی، بهمن ۱۳۸۵، نظری به نظام اقتصادی اسلام، چ ۱۳، صدرا.
۴۷. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۲، المنجد فی اللغة، تهران، اسماعیلیان.
۴۸. منیة المرید، شهید ثانی، زین الدین بن علی (متوفای ۹۶۶ ق)، ۱۴۰۹ ق، تحقیق و تصحیح: رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۴۹. میرمعزی، حسین، پاییز ۱۳۹۴، مقاله «فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، ش ۵۹، ص ۵-۳۲.
۵۰. میرباقری، محمدمهدی، ۱۳۹۳، بینش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی، تالیف و تقریر حسین مهدیزاده، قم، فردا.
۵۱. نجفی، موسی، ۱۳۹۲، نظریه تمدن جدید اسلامی: فلسفه تکامل تمدن اسلامی و جوهر افول یابنده تمدن غرب، اصفهان، آرماء.
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: ۲۸ ج، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، مترجم: حسن حسن زاده آملی، و محمد باقر کمره‌ای، محقق / مصحح: ابراهیم میانجی، ۲۱ ج، چ ۴، تهران، مکتبه الإسلامیة.
۵۴. یوسفی، احمد علی، ۱۳۹۵، مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی، شهرکرد، مقاومت.